

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

۲۹ جولای ۲۰۱۶

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

## دیوان

"عبدالله شهاب ترشیزی هروی"

۱۰۱

مُقَطَّعات

-۲-

## سردردی

چو دید درد سر بنده را شه از حد بیش به دفع درد سرم، امر کرد 'سندل' را  
ولیک درد سرم را نکرد سندل دفع خدای دفع کند، این بلای مُهمل را

\*\*\*\*\*

در سخا و مردمی، آل تقی خان بهتر است از همه خلق جهان، همچو قریش اندر عرب  
ظلمتی روی جهان بگرفت و ایشان در میان روشن و تابان چو پروین اند، اندر نیم شب

۱ "سندل": اصلاً کلمه هندی ست، که اعراب آن را به قانون تعریب خود، "صندل" ساخته اند. در زبان بزرگان قدیم چون عنصری بلخی در عوض، کلمات "چندن" و "چندل" زیاد به کار رفته است. املاي این کلمه به "سین" درست است و دري زبانان را نشاید، که به تاسی از اعراب، "صندل" بنویسند!!! همین قسم کلمه غلط مشهور "صندلی" را نیز باید در هیئت "سندلی" نوشت، هم در افغانستان و هم در ایران. "سندلی" منسوب به "سندل" است، چون در ابتداء از چوب خوشبوی "سندل" ساخته می شده است. این که مدلول "سندلی" در ایران و افغانستان فرق می کند، حدیث دیگری ست. مردم ما "سندلی" را به چیزی اطلاق کنند، که در ایران به نام "کُرسی" یاد می شود و برعکس "سندلی" فارسی ایران در ملک ما "چوکی" یاد می گردد، که نیز کلمه هندی ست.

\*\*\*\*\*

## مقام ماه به حکم تقویم

زهی از باده جام ضمیرت      به بزم چرخ، جام مه لبالب  
مقام مه به حکم زیج و تقویم      بود امروز و فردا هر دو عقرب

\*\*\*\*\*

---

<sup>۲</sup> "زیج" یا "زیج" در نجوم قدیم اصلاً به جداولی اطلاق می‌گردید، که نظر به آن حرکت ستارگان را محاسبه می‌کردند. بعدها مگر توسعهً در معنای "رصدخانه" استعمال گردید، چنان که "زیج الغیبگ" گویند، که در زمان "تیموریان هرات"، شهرت آفاقی داشت.